

بررسی نقش اقشار مختلف شهر اراک در فرایند انقلاب اسلامی

(۱۳۴۲-۱۳۵۷ ش)

علی زارعی^۱ / مرضیه رادبخش^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان یکی از فراگیرترین جنبش‌های توده‌ای تاریخ جهان به‌شمار آورد؛ چراکه اکثر اقشار مختلف، از روحانیون تا بازاریان و دانشجویان و فرهنگیان و طبقات پایین جامعه، در آن مشارکت داشتند و در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نقش انکارناپذیری ایفا نمودند. در هر یک از شهرهای ایران با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی، قشرهای مختلف مردم در مبارزه علیه رژیم پهلوی فعالیت می‌کردند. شهر اراک نیز از این قاعده مستثنی نبود و مردم دوشادوش روحانیون و دانشجویان در صف مقدم نبرد با طاغوتیان، نقش مهمی در پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایفا نمودند. لذا پژوهش حاضر در پی آن است تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که کدام‌یک از اقشار مردم در جغرافیای استان مرکزی در پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دخیل بوده‌اند و چه نقشی را ایفا نموده‌اند؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که هر یک از اقشار مختلف مردم شهر اراک اعم از روحانیون، دانشجویان، فرهنگیان، بازاریان، کارگران، بانوان، اقلیت‌های مذهبی و غیره با توجه به موقعیت و استعدادها خود در مبارزات انقلابی شرکت داشته‌اند و در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نقش آفرینی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، اراک، اقشار مردم، روحانیون، بازاریان، بانوان.

۱. دانش‌آموخته دکترای تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. مدرس گروه

معارف دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) Ali.zareei@chmail.ir

۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

zahra201258@yahoo.Com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ نوع مقاله: پژوهشی

Investigating the role of different strata of the city of Arak in the process of the Islamic revolution (1965-1979)

Ali Zarei¹/ Marzieh Radbakhsh²

Abstract

Iran's Islamic Revolution can be considered one of the most comprehensive mass movements in the world history; Because most of the different classes, from clerics to bazaars, students, teachers and the lower classes of the society, participated in it and played an undeniable role in the achievement of the Islamic Revolution. In each of the cities of Iran, according to the social and cultural conditions, different strata of people were active in the struggle against the Pahlavi regime. The city of Arak was no exception to this rule and the people side by side with the clerics and students played an important role in the glorious victory of the Islamic Revolution. Therefore, the current research seeks to answer the main question that which of the people in the geography of Arak Province were involved in the glorious victory of the Islamic Revolution and what role did they play? The findings of the research indicate that each of the different strata of the people of Arak, including clergymen, students, educators, marketers, workers, women, religious minorities, etc., took part in the revolutionary struggles according to their position and talents and achieved results.

Keywords: Islamic revolution, Arak, classes of people, clerics, marketers, women.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. PhD candidate in Islamic Revolution History, Imam Khomeini (PBUH) and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. Lecturer, Department of Education, Allameh Tabatabai University (corresponding author) Ali.zareei@chmail.ir

2. MA in History of Islamic Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Arak University, Arak, Iran. zahra201258@yahoo.Com

مقدمه

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران انقلابی متکی به اقشار و توده‌های مختلف می‌باشد که با جان‌فشانی و رشادت‌های بسیار به ثمر نشست است. انقلابی که با هدایت‌های مدبرانه امام خمینی تأثیرات شگرفی در منطقه و جهان گذاشته است. شهر اراک نیز به‌عنوان یک شهر جوان و به مانند شهرهای دیگر در پیروزی انقلاب اسلامی نقش آفرینی نموده است. هرچند برخی بر این باور هستند که شهر اراک در انقلاب اسلامی ایران نقشی نداشته و از آن به «شهر خاموش» یا ساکت‌ها یاد کرده‌اند (ر.ک: رشیدی، ۱۳۹۹: ۵۱-۵۰). اما بنا به گواه اسناد، اقشار مختلف مردم اراک اعم از روحانیان، دانشگاهیان، فرهنگیان، بازاریان و... نقش مؤثری در پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند. در این میان نقش فرهنگیان و دانشگاهیان را می‌توان نقطه عطفی برای فعالیت‌های انقلابی استان مرکزی قلمداد کرد. دانشگاه و مدارس یکی از مهم‌ترین پایگاه‌ها برای تبلیغ و مبارزه علیه رژیم پهلوی بود و فرهنگیان و دانشگاهیان با تحصن و تجمع و شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها نقش مؤثری در پیروزی انقلاب ایفا کردند. این اقدامات در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شدت بیشتری یافت و با مشقات فراوانی چون زندان، شکنجه و گاه با شهادت مبارزان همراه بود و این افتخاری برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و همچنین اقشار مختلف مردم به شمار می‌آید چراکه در یک مقطع زمانی بسیار حساس نقش خود را به‌خوبی ایفا نمودند. اما همان‌طور که گفته شد علاوه بر فرهنگیان و دانشگاهیان اقشار مختلف دیگری همچون روحانیون، بازاریان، بانوان، روستاییان، کارگران و... در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند. لذا پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که اقشار مختلف مردم اراک چه نقش و جایگاهی در انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی داشته‌اند؟ همچنین شیوه مبارزاتی هر یک از اقشار چه بوده است؟ با توجه به آنکه بررسی نقش تمام اقشار در یک مقاله نمی‌گنجد از همین رو بررسی نقش فرهنگیان و دانشجویان با توجه به گستردگی فعالیت‌های آنها در مقاله‌ای جداگانه مورد پژوهش قرار خواهد گرفت.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش باید خاطر نشان کرد هرچند در خصوص نقش اقشار مختلف مردم در انقلاب اسلامی مطالبی به‌صورت پراکنده در کتب مربوط به تاریخ محلی و یا اسناد و خاطرات مربوط به وقایع انقلاب اسلامی یافت می‌شود؛ لیکن تاکنون پژوهشی به‌صورت مستقل در

خصوص نقش اقشار مختلف شهر اراک در انقلاب اسلامی انجام نشده است. از جمله پژوهش‌هایی که به صورت کلی به انقلاب اسلامی در استان مرکزی پرداخته‌اند می‌توان به دو جلد کتاب «تاریخ انقلاب اسلامی در استان مرکزی» نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (روزشمار استان مرکزی)» نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی و «تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در اراک» نشر حوزه هنری اشاره نمود. این پژوهش‌ها اکثراً به صورت واقعه‌محور به توصیف روند انقلاب اسلامی در استان مرکزی پرداخته‌اند. از همین رو در این نوشتار سعی شده است با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و استفاده از مصاحبه، به صورت ویژه و به تفکیک، نقش اقشار مختلف مردم - غیر از فرهنگیان و دانشگاهیان - در پیروزی انقلاب اسلامی با تمرکز بر جغرافیای شهر اراک، رمزگشایی و کالبدشکافی شود.

۱. روحانیون

در تمامی انقلاب‌ها نقش رهبری در ایجاد و تکوین خط جدید و به دنبال آن نظم سیاسی - اجتماعی جدید انکارناپذیر است، اما این نقش در بعضی انقلاب‌ها مانند انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته و خاص است. روحانیت در طول تاریخ علاوه بر تلاش در عرصه علمی و دینی و حوزه اندیشه اسلامی در صحنه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی و سیاسی زمانه خود نیز نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند؛ عالمانی که رسالت خود را نه صرفاً در کسب دانش و محصور ماندن حلقه‌های مباحث فقهی، کلامی، اصولی می‌دانستند؛ بلکه در کنار اینها توجه و نگاهی به تحولات سیاسی و اجتماعی داشتند و در کنار مردم در بزنگاه حوادث و وقایع در دفاع از کیان اسلام، مردم مسلمان، مقابله و قیام علیه بدعت‌ها و ظلم‌ها به پا خاسته‌اند. با شروع نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۱ اقشار مختلف مردم از جمله روحانیون به میدان آمدند و از ایشان حمایت کردند. بر اساس گزارشی از ساواک اراک پس از واقعه دستگیری امام و کشتار ۱۵ خرداد عده‌ای از روحانیون حوزه علمیه اراک به جلوداری شیخ فضل‌الله نصیرالاسلام

تلگرافی را به آیات عظام شریعتمداری و گلپایگانی مبنی بر تلاش جهت آزادی امام خمینی مخابره کردند که اخطار ساواک را در پی داشت^۱ (روحانی، ۱۳۸۱: ۵۷۶/۱).

هرچند در سال ۱۳۴۲ اتفاق خاصی در اراک نیفتاد اما مردم اراک به‌ویژه روحانیت حتی زمانی که امام در تبعید به سر می‌برد از وقایع عقب نبوده و در زمینه فعالیت‌های انقلابی اقداماتی را انجام دادند. برای مثال در تاریخ ۱۳۴۵/۰۲/۱۲ حاج سید اسماعیل پیش‌نماز مسجد آقا ضیاءالدین برای ملاقات با امام به عراق سفر کرد و دو روز نزد امام ماند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۷۹/۱).

از عالمان و روحانیون شهر اراک که در آگاهی‌بخشی و تحریک مردم به فعالیت‌های انقلابی نقش بسزایی داشته‌اند می‌توان به سید مجتبی میرجعفری^۲ (امام جماعت مسجد آخوند) (ر.ک: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۳۷۷/۲، ۳۸۲، ۴۸۸، ۴۹۳)، آیت‌الله امامی، شیخ فضل‌اله نصیرالاسلامی (مدرس و امام جماعت مسجد حاج محمدابراهیم)، شیخ حسین عظیمی، شیخ قدرت‌الله نجفی، شیخ احمد صابری، حاج سید اسماعیل (پیش‌نماز مسجد آقا ضیاء)، شیخ احمد فراهانی، شیخ علیجان واعظی، میرزا علی هاشمی، جعفر انجدانی، حاج آقا یعقوبی، شیخ

۱. متن تلگراف: بسم الله الرحمن الرحيم محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی مدظله العالی حوزه علمیه اراک از گرفتاری حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی دام ظلّه و سایر آقایان آیات عظام و حجج اسلام دامت برکاتهم شدیداً متأثر و متأسف و از مقام محترم عالی و سایر آیات عظام تقاضای سعی و کوشش در استخلاص معظم لهم را می‌نماید - امید است خداوند منان عز اسمّه، ظل عطفوت حضرت مستطاب آیت‌اللهی و جمیع آیات عظام و مراجع دینی و حضرت آیت‌الله خمینی را بر فرق عموم مسلمین پاینده و مستدام بدارد. یحیی ابی طالبی - میرزاعلی هاشمی - فضل‌الله نصیرالاسلام - نورالدین میرمهدی - حسن الحسین الغروی - احمد ابوطالبی - جلال الدین فدایی - غلامرضا محمدی - ذبیح‌اله ارضی - قنبر رفیعی - محمد حسین جعفری اراکی - حسین حیدری - محمدابراهیم علائی - محمدعلی رسولی - حسین واعظی - الاحقر سیدمهدی میریحیی - محمد الحسینی المعنوی - محمد فقیهی - سیدمرتضی اعرابی - حسین براتی - سید عبدالرسول حجازی شهرضائی - خلیل اله دیانی - الاحقر محمدحسین ابراهیمی و چند امضای ناخوانای دیگر (آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۴۹/۱).

۲. در اسناد ساواک از ایشان به عنوان طرفدار سر سخت امام خمینی و از محرکین و فعالین درجه اول یاد شده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۳۷۷/۲، ۳۸۲).

حسین بادکوبه‌ای، محمدعلی دستیاری، نورالدین میرمهدی و ... اشاره نمود (رشیدی، ۱۳۹۹: ۵۴، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۱۳۶/۱، ۱۳۹، ۱۹۵، ۲۰۹، ۳۳۶، ۲/۲۲۷). همچنین علما غیربومی که برای تبلیغ در محرم و ماه مبارک رمضان به اراک می‌آمدند، از جمله شیخ محمد آل اسحاق^۱ و همراهان وی از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا مردم را از مفاسد رژیم پهلوی آگاه سازند (مشیری راد، ۱۳۹۱/۵/۲۵). در همین خصوص در اسناد ساواک آمده است: «در جلسه صبح روز جمعه در منزل حاج محمد حسینی که در آن عده‌ای از معلمان و بازاریان شرکت داشتند آقای آل اسحاق درباره روش تقویت حافظه به سخنرانی پرداخته و ضمن بحث در مورد سلول‌های حافظه که پنج میلیون یا پنج میلیارد می‌باشند تردید کرده و وقتی به او گفته‌اند پنج میلیارد، اظهار داشته مانعی ندارد در مملکت ما این رقم‌ها قابل گذشت است پنج میلیون و پنج میلیارد دزدی می‌کنند کسی حرفی نمی‌زند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۳۳۸/۱).

در یک نگاه کلی می‌توان روحانیون شهر را به دو گروه تقسیم نمود:

- ۱- روحانیونی که از رژیم ناراضی بودند و معتقد به همراهی دین و سیاست بودند و در مسیر انقلاب گام برمی‌داشتند؛ از جمله حجت‌الاسلام میرجعفری و آیت‌الله امامی و ...
- ۲- روحانیونی با اعتقاد به جدایی دین از سیاست که نسبت به مسائل انقلاب بی‌تفاوت بودند. هرچند به دلیل ارتباط خوب با رژیم به مردم در زمینه دستگیری‌ها و آزادکردن زندانی‌های

۱. منصورى نقل می‌کند: «یکی از کارهای ثابت و همیشگی من این بود که جمعه شب‌ها با پیکان آبی رنگی که داشتم به دنبال آقای محمد آل اسحاق در قم می‌رفتم ایشان از روحانیون شجاع بود و منبرهایشان را با آگاه کردن مردم از وضعیت کشور و جامعه برگزار می‌نمود. ایشان حدوداً از سال ۱۳۵۳ ه. ش به اراک رفت و آمد داشت. وی چندین بار بازداشت شد و گفته می‌شود یک بار هم در جریان یک سخنرانی که در خرم‌آباد داشت دستگیر شد و حاج آقا رودی و منصورى به همین دلیل به خرم‌آباد مراجعه، تا خانواده‌ی استاد را که در آنجا بود به اراک بیاورند. اما در آنجا با سخنرانی یکی از دوستان آل اسحاق در مسجد روبرو شدند که با جملات سخنران جمعیت خرم‌آباد به خروش درآمد و در خیابان‌ها راهپیمایی کردند طوری که بانک‌ها تخریب شد و آشوب به بسیاری از خیابان‌های شهر کشیده شد. به هر صورت همین برخورد باعث شد آل اسحاق به تهران منتقل شود و کمی بعد هم آزاد شود» (منصورى، ۹۱/۶/۱۷؛ ر.ک: کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۳۹۰/۸).

سیاسی کمک می‌کردند (یحیایی، ۱۳۹۰/۹/۲۰). از جمله اقداماتی که روحانیون دسته اول برای پیشبرد مبارزات انقلابی انجام می‌دادند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱-۱. برپایی منبرهای سیاسی و بصیرت‌بخشی به توده مردم

روحانیون از فرصت‌هایی که بر منبرها فراهم می‌شد استفاده می‌کردند و از آن برای روشنگری و اعتراض به نحوه و نوع حکومت پهلوی بهره می‌جستند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به اظهارات صابری مورخه ۱۳۴۵/۹/۱۴ در مسجد صابری اشاره کرد که ضمن بیان معارف اسلامی به اقدامات شهربانی و کارهای نادرست آنها اشاره کرده و از اقدامات شرم‌آور آنها انتقاد کرد و به فشارهایی که بر مردم وارد می‌شد اعتراض نمود. در نمونه‌ای دیگر حاج‌آقا عظیمی در سرای تقوایی مورخه ۱۳۴۶/۳/۶ به منبر رفته و از وجود سینماها در شهر اظهار گله و ناراحتی می‌کند. وی ریشه جنایت‌های رژیم را سینما می‌داند. حاج‌آقا عظیمی به فیلم یوسف و زلیخا که در سینما به نمایش گذاشته شده بود اشاره می‌کند و به سکانسی که زلیخا شراب به یوسف می‌دهد و او هم می‌خورد به شدت اعتراض می‌کند و آن را ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر اعتقادات دینی مردم می‌داند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۱۴۰/۱). وی در مراسمی دیگر که در سرای حاج شیخ محمدرضا شیخی، برگزار گردید، به منبر رفته و از وجود رشوه در دستگاه‌های اداری انتقاد می‌کند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۱۴۱/۱). در سندی دیگر از اسناد ساواک به شماره ۲۲/۴۹۶ هـ آمده است:

«شیخ حسین عظیمی در مسجد به منبر رفت ضمن صحبت دینی اظهار داشت فرهنگ امروز ما درس بی‌دینی و درس غیر قانون قرآن به بچه‌ها یاد می‌دهد و رقص و سایر درس‌ها که نمی‌توانم بگویم به فرزندان بی‌گناه ما می‌دهند. خطاب به حاضرین اضافه کرد قدری فعالیت کرده و تکان بخورید و نگذارید هر کس از هر کجا آمد بر شما تسلط داشته باشد. سپس شیخ علیجان واعظی به منبر رفت و چنین اظهار داشت ایمان در میان ما مردمان رخت بر بسته و عدالت هم حکم‌فرما نیست. در جنگ بدر عده مسلمانان کم بود ولی چون ایمان داشتند غالب شدند، مسلمین برادر همدیگر بوده ما نباید راضی شویم که برادران ما در این جنگ کشته شوند ایمان و عدالت در بین ما نیست باید بیدار باشید خودتان را از خائنین و دشمنان نگهداری بکنید» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۱۴۲/۱).

همچنین وی بعد در مجلس ختمی در قریه گیلی حکومت سلطنتی را از حکومت یزید ننگین تر معرفی می کند و ضمن تجلیل از شهدای قم و تبریز به شدت به رژیم حمله می کند، به طوری که احساسات حاضرین تحریک و برانگیخته می شود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۴۶/۲).

در گزارشی دیگری از ساواک آمده است:

«با دعوت انجمن نیکوکاران یکی از وعاظ سرشناس قم به نام شیخ گل سرخی که از فضیلتی دارالتبلیغ حوزه علمیه قم معرفی شده از ساعت ۱۷:۳۰ مورخ ۵۰/۲/۲۴ و با حضور تقریباً پانصد نفر از اهالی، طلاب و معممین در مسجد حاج محمدابراهیم جلسه سخنرانی برقرار و آقای گل سرخی ضمن معرفی خود و عضویتش در هیئت مدیره مجله مکتب اسلام و تعریف و تمجید از جریده مذکور اضافه کرده که کلیه روزنامه ها و نشریات دیگر کشور ما همه دروغ می نویسند و یک موضوع کوچک را با عکس های گوناگون بزرگ کرده و با تصاویر برهنه آرایش می دهند و محتوای سخنرانی ایشان بیشتر متوجه جوانان بوده و اینکه روحانیون با دعوت از جوانان و کشاندن آنها به مساجد سبب می شود تا آنها به خدا نزدیک شوند و راحت تر بتوانند با مخالفین دین بجنگند و اجتماع را از آلودگی و فشار نجات دهند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲۳۰/۱).

در سند دیگری از ساواک آمده است: «به قرار اطلاع واعظی به نام قمی (در بهمن ماه ۵۳) در اراک به منبر رفته و در یکی از سخنرانی هایش خطاب به نسل جوان گفته: «زندگی از اول تا آخر این است که باید با ظلم مبارزه کرد و در مقابل هیئت حاکمه که همه چیز را از ما گرفته است مانند سدّ محکمی ایستادگی کرد و داد مظلوم را از ظالم گرفت» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲۸۴/۱).

۱-۲. برگزاری جلسات مذهبی جهت کادر سازی نیروهای انقلابی

در دهه ۱۳۴۰ ش فعالیت نیروهای انقلابی بیشتر با هدف تقویت ایمان و باورهای مذهبی صورت می گرفت. به همین دلیل بزرگانی از جمله آقای حاج نورالدین میرمهدی جلسات خوبی در مسجد برگزار می کردند. شب های پنجشنبه دانش آموزان و دانشجویان در منزل ایشان به قرائت و ترجمه ی مفاهیم قرآن می پرداختند. علاوه بر جلسات خانگی به کوشش علما و روحانیون و بازاریان متدین سخنرانانی از قم، تهران و مشهد برای سخنرانی بر فراز منابر به اراک دعوت

می‌شدند که تأثیر زیادی در تعمیق باورهای دینی و بالا رفتن روحیه مذهبی، و بصیرت‌بخشی به مستمعین داشت. آیت‌الله مکارم و شیخ احمد کافی از جمله مدعوینی بودند که روضه‌های گرمشان جمعیت زیادی را به پای منابر جمع می‌کرد.

آشوری از فعالین انقلابی اراک درباره فعالیت‌های این سال‌ها چنین می‌گوید: «در سطح شهر اراک، دارای جلسات مذهبی متعدد و متفاوتی بودیم که در آنها قرآن، نهج‌البلاغه و ... آموزش داده می‌شد و سعی می‌گردید که مفاهیم آنها در زندگی مردم و به‌خصوص جوانان، بازخورد عملی داشته باشد.... بعد از ظهرهای جمعه در مسجد حاج محمدابراهیم که یکی از حوزه‌های علمیه اراک بود، جلسات قرآن به صورت هفتگی و مرتب منعقد می‌گردید و عمده شرکت‌کنندگان آن را نوجوانان و جوانان دوازده تا هیجده سال تشکیل می‌دادند. این جلسات در شکل‌گیری افکار و اعمال و شخصیت آن‌ها تأثیر شگرفی می‌گذاشت.» (رشیدی، ۱۳۹۹: ۶۱-۶۰).

۱-۳. شرکت در تظاهرات و راهپیمایی

بنا به گواه اسناد و شاهدان در تظاهرات و راهپیمایی‌های عمومی ضد رژیم، روحانیون از جمله اقشاری بودند که در صف اول تظاهرات حاضر می‌شدند و به تهییج و تشویق مردم به پایداری و مبارزه با ظلم و جور دستگاه حاکمه می‌پرداختند. حجت‌الاسلام میرجعفری یکی از برجسته‌ترین فعالین انقلابی روحانی است که نقش بسزایی در فعالیت‌های انقلابی شهر اراک داشته است و می‌توان او را از پیشتازان انقلاب در اراک دانست. او با شهامت و جسارت جلوی راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و سخنرانی‌های تندی ایراد می‌کرد (محمد حسینی، ۱۳۹۱/۹/۲۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. محمد حسینی از دوستان نزدیک حجت‌الاسلام میرجعفری می‌گوید: «میرجعفری از روحانیونی بود که پیشرو و علمدار انقلاب بود و ایشان روحانی باسواد و نترسی بود و نمونه‌ای از شجاعت ایشان آنکه در قم افسری به امام توهین کرد و ایشان با صندلی که در دست داشت به سر افسر زد، ... آقای میرجعفری برای انقلاب و به ثمر نشستن آن حتی در مسجد آخوند در زیر لگدهای مأمورین ساواک قرار گرفت و هرگز از راهی که انتخاب کرده بود شانه خالی نکرد» (حسینی، ۱۳۹۱/۹/۲۵).



تصویر ۱. حضور روحانیون در صف اول تظاهرات علیه رژیم پهلوی در شهر اراک

(منبع: خبرگزاری فارس)

علاوه بر ایشان روحانیون دیگر نیز در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت مؤثر داشتند که اسامی برخی از آنها در اسناد ساواک درج شده است: برای مثال برطبق گزارشی از ساواک مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۹ روحانیونی در تظاهرات روزهای ۱۳۵۷/۹/۱۹ و ۱۳۵۷/۹/۲۰ (تاسوعا و عاشورا) شرکت داشته‌اند و مردم را تحریک به دادن شعارهای مضره و مرگ به ۶۶ [شاه] نمودند از جمله این روحانیون می‌توان به شیخ مهدی عظیمی، یعقوبی واعظ، شیخ حسین عظیمی، میری واعظ اشاره کرد (همان، ۱۳۹۲: ۴۸۷/۲).

۱-۴. تکثیر و پخش اعلامیه، عکس و کتاب‌های امام خمینی

روحانیون اراک در سال‌های تبعید امام جزوه‌های سخنرانی ایشان را به‌نوعی به دست مردم می‌رساندند. این فعالیت‌ها از چشم مأموران ساواک دور نمانده و در گزارش‌های خود به آن پرداخته‌اند. برای مثال در گزارشی آمده است: «شیخ قدرت‌اله منصوری طلبه مدرسه حاج محمدابراهیم اراک جزوه‌ای را که در داخل آن یک قطعه عکس روح‌الله خمینی بود از جیب درآورده و اظهار داشته این جزوه متن سخنرانی روح‌الله خمینی است که از قم تهیه و شاید بتوانیم در آینده هم برای مطالعه از این جزوات بیاورم، ضمناً اضافه نمود در مدرسه دارالشفا قم حجره ۲۱ شخصی به نام آقا ولی که در آنجا سکونت دارد از این‌گونه جزوات دارد» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲، ۲۱۸/۱). جالب اینجاست که در تحقیقات ساواک مشخص می‌شود «آقا ولی» مورد اشاره در گزارش فوق نیز اصالتاً اهل اراک است و برای تبلیغ به اراک رفت‌وآمد دارد.

«به استحضار می‌رساند (شخصی به نام آقا ولی ساکن مدرسه دارالشفای حجره (۲) مندرج در گزارش خبر فوق همان سید ولی‌اله میری است که نوار سخنرانی خمینی را داشته و از طرفداران خمینی می‌باشد که سابقه مشارالیه قبلاً طی شماره ۲۱/۵۲۱۲ به عرض رسیده است ... ضمناً به عرض می‌رساند در تحقیقاتی که به عمل آمده سید ولی‌اله میری اصلاً اهل اراک و اکنون به مناسبت ماه محرم و صفر به اراک مسافرت نموده و تا پایان ماه صفر نیز در اراک خواهد بود. ... ضمناً مشارالیه فرزند سید محمد میری پیش‌نماز یکی از مساجد اراک است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲۲۱/۱).

بر اساس اسناد منتشره برخی از روحانیون وظیفه توزیع اعلامیه‌های امام را در شهرستان‌ها برعهده داشتند برای مثال در سندی از ساواک آمده است: «طبق اطلاع شیخ منوچهر زند و کیلی (میرزا مهدی) که اخیراً عازم اراک گردیده واسطه ربانی شیرازی و سایر شهرستان‌ها بوده که اعلامیه‌های خمینی را در نقاط مختلف توزیع می‌نماید» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲۳۳/۱).

۱-۵. ارسال نامه و تلگراف در حمایت از نهضت

علاوه بر حضور در تظاهرات، سخنرانی و روشنگری بر فراز منابر، روحانیون اراک با ارسال نامه و تلگراف به امام خمینی، علمای عراق، مراجع تقلید و ... از نهضت امام خمینی حمایت کردند. برای مثال در تاریخ ۱۳۴۸/۰۷/۲۲ نامه‌ای از سوی روحانیون اراک به عراق ارسال شد که به شرح ذیل در اسناد ساواک بازتاب یافته است:

«شیخ یحیی ابوطالبی که در نجف اشرف تحصیل می‌نماید در منزل شیخ احمد صابری واقع در خیابان عباس آباد کوچه خوانساری سه نامه در دست داشت و می‌خواست با خود به عراق ببرد. نامه‌های مزبور حاکی از پشتیبانی شیخ احمد صابری و روحانیون قم و اراک از روحانیون مقیم عراق بوده است. شیخ یحیی ابوطالبی روز ۴۸/۷/۲۳ به صوب تهران حرکت نموده که از آن طریق به نجف اشرف مسافرت نماید» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۱۹۵/۱).

روحانیون اراک در قضیه عزیمت حضرت امام به فرانسه نیز نقش آفرینی نمودند و طی تلگرافی از رئیس‌جمهور، مقامات و مردم فرانسه درخواست کردند ضمن احترام به امام که از نظر جامعه روحانیت شیعه و ملت مسلمان جهان خاصه عالم تشیع از احترام خاصی برخوردارند، مهمان‌نوازی

را آن‌طور که شایسته ملت نجیب فرانسه می‌باشد انجام نمایند که این امر موجب شادی ملت مسلمان ایران و جامعه روحانیت است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲/۲۵۰).

۲. کارمندان

کارمندان دولت نیز به‌مانند اقشار دیگر مردم در انقلاب اسلامی نقش آفرینی کرده‌اند. البته آنان به دلیل اینکه حقوق‌بگیر دولت بودند فعالیت‌هایشان مخفیانه‌تر و با نمود کمتر در جامعه بوده است (منصوری، ۱۳۹۱/۶/۱۷). از سازمان‌هایی که کارمندان آن به‌نوعی در انقلاب فعالیت می‌کردند می‌توان به کارمندان اداره دارایی، مخابرات و دادگستری، که از مراکز مهم در شهر بودند اشاره نمود. از عمده فعالیت‌های آن‌ها برای مخالفت با رژیم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱. بی‌اعتنایی به تمثال شاه

بی‌اعتنایی به تمثال شاه در مراکز و ادارات یکی از روش‌های مبارزه کارمند بود؛ چنانچه در گزارشی که احمدی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت اراک مخابره کرده این‌چنین آمده است که چند تن از کارمندان اداره دارایی اعلام کرده بودند چون تمثال بزرگ همایونی نزدیک در ورودی قرار داشته لذا پس از یکی دوبار حمله آشوبگران به اداره دارایی و شکسته شدن شیشه‌های اتاق‌های جلو و در ورودی به‌منظور جلوگیری از شکسته شدن احتمالی تمثال، آن را به اتاق رئیس اداره منتقل کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۸/۲۰۷).

با وجود خطرات فعالیت‌های انقلابی برای کارمندان دولت، برخی افراد در تظاهرات شرکت داشته و سایر کارمندان را نیز به اعتصاب و تظاهرات تشویق می‌نمودند. در اسناد ساواک اسامی برخی از آنان بازتاب یافته است. برای مثال در سندی به شرح ذیل اسامی تعدادی از کارکنان اداره دارایی به‌عنوان افرادی که فعالیت مضره داشته‌اند ذکر شده است:

«هشت نفر نامبردگان مشروحه زیر که از کارکنان اداره دارایی اراک می‌باشند در امر تحریک مردم علیه دولت و پخش اعلامیه مضره فعالیت دارند. ۱. امین محلاتی ۲. علی میری ۳. اسماعیل مرادی ۴. عابدی ۵. سبحانی ۶. وفایی ۷. میراشرفی ۸. عظیمی» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲/۳۸۳).

در سندی دیگر مجدد از برخی از این افراد با شرح مسئولیت آن‌ها نام برده شده است:

«ابراهیم سلیمی ریاست دارائی شهرستان اراک، محمد سبحانی معاون اداره دارائی، امین محلاتی ممیز اداره دارائی، عابدی کمک ممیز مالیاتی، داوری کمک ممیز مالیاتی اداره دارائی، غلامعلی قدیمی کمک ممیز مالیاتی اداره دارائی اراک، طالبی بیگی کمک ممیز دارائی، وفائی کمک ممیز دارائی، عباسی طره حسابدار اداره دارائی، سلامتی حسابدار اداره دارائی، محسن کاکایی اداره دارائی، فاحی سرایدار اداره دارائی، اصغر خسروی، عصمت افق مسئول فتوکپی و منشی مدیرکل اداره دارائی استان» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۵۰/۲).

۲-۲. اعتصاب

یکی دیگر از روش‌های اعتراض آمیز کارمندان اعتصاب بود. کارمندان اداره برق، برق شهر را اکثر شب‌ها از ساعت ۸ به مدت یک یا دو ساعت قطع می‌کردند. برق بیشتر شهرها شب‌هنگام، زمانی که ساعت پخش اخبار می‌رسید قطع می‌شد اعتراض کارکنان توانیر بر حکومت و همراهی با نهضت مردم به این شکل رخ می‌نمود، مضاف بر اینکه خود اعتراض متوجه پخش اخبار دروغ از تلویزیون ملی ایران بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۳۲۹/۲۱).

بنا به گزارش روزنامه اطلاعات در چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۵۷ کارکنان برق در شهر اعتصاب بزرگی را به راه انداختند و نماینده‌ای به تهران اعزام کردند تا در مورد برقراری خواسته‌هایشان با وزیر نیرو به گفتگو بنشینند.^۱ کارمندان تعاون روستایی نیز در ۱۷ مهرماه خواسته‌های خود را مطرح کردند، بیش از ۱۶۳ نفر از کارکنان سازمان مرکزی تعاون روستایی اراک که از ده روز پیش دست به اعتصاب زده‌اند خواسته‌های خود را در هفت مورد اعلام کردند (اطلاعات، ش ۱۵۷۳۱: ۱۳۵۷).

کارمندان دادگستری اراک در ۲۵ شهریورماه دست به اعتصاب زدند و خواستار برآورده شدن خواسته‌های خود شدند. آن‌ها اعلام کردند چنانچه به خواسته‌های آنان ترتیب اثر داده نشود اعتصاب خود را نخواهند شکست (اطلاعات، ش ۱۵۷۱۲: ۱۳۵).

۱. کارمندان اداره برق دست از خواسته‌های خود برنداشته و باز در شنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۵۷ کارکنان و کارمندان اداره‌ی برق اراک ۵ روز اعتصاب خود را مبنی بر عدم اجرایی خواسته‌های ۱۴ ماده ایشان پشت سر گذاشتند کارکنان و کارمندان اداره‌ی برق اراک ۵ روز قبل از محل اداره اجتماع کردند و اعلام داشتند تا زمانی که خواسته‌ای ۱۴ ماده‌ای آنان اجرا نشود کار نخواهند کرد (اطلاعات، ۱۳۵۷: ۱۵۷۲۹).

۳. کارگران

شهر اراک از جمله شهرهایی محسوب می‌شود که قشر کارگر در آن بسیار است و به‌نوعی شهر شرایط و جو کارگری دارد به‌خصوص از زمانی که کارخانه‌های بزرگی چون ماشین‌سازی، آلومینیوم، آونگان، هپکو، آذرآب و... در شهر ایجاد و افراد زیادی به دلیل شرایط کاری به این شهر مهاجرت کردند. اعتراضات کارگری در اراک از سال ۱۳۴۶ و با اعتراضات کارگران ماشین‌سازی اراک شروع شد و در سال‌های بعد کارخانه‌های دیگر هم به این جریان پیوستند (مهاجرانی، ۱۳۸۷: ۲۸).

پس از درگذشت حاج آقا مصطفی در آبان ۱۳۵۶ و کشتار مردم قم در ۱۹ دی‌ماه همین سال، فعالیت‌های انقلابی سرعت و شدت بیشتری یافت و کارگران کارخانجات اراک وارد مرحله اعتصاب شدند. کارگران ماشین‌سازی اراک اولین گروهی بودند که بعد از شرکت نفت به اعتصاب پرداختند. این اعتصابات که نخست به‌صورت دسته‌وگریخته با خواسته‌های صنفی شروع گردید کم‌کم فراگیر شد تا اینکه در سال ۱۳۵۷ سندیکا‌های کارگری هم به جمع اعتصابیون پیوستند (رشیدی، ۱۳۹۹: ۷۴). در آن زمان ماشین‌سازی پنج هزار کارگر داشت و با همت انقلابیون این کارخانه، ۱۵۰۰ نفر در کارخانجات دیگر از جمله آلومینیوم‌سازی، واگن پارس، هپکو، آذرآب و... جهت برپایی اعتراضات و راهپیمایی دسته‌بندی و سازمان‌دهی گردیدند. اولین راهپیمایی از سوی انقلابیون ماشین‌سازی به‌صورت بسیار باشکوه و با هماهنگی دانشجویان و مردم انقلابی سطح شهر انجام پذیرفت. در این راهپیمایی آنها ابتدا مسائل صنفی را مطرح و از کارخانه به سمت شهر -از مسیرهای پل شهر صنعتی و دروازه تهران و تا سر محسنی که محل ملحق شدن مردم و دانشجویان بوده است- حرکت می‌کنند و راهپیمایی را تا مرکز شهر ادامه می‌دهند، سپس از زیر پل شهر صنعتی پلاکاردها تعویض شده و پلاکاردهایی با شعارهای انقلابی بالا می‌رود. همچنین شعارها نیز از آنجا به بعد از شعارهای صنفی به شعارهای انقلابی مبدل می‌شود (ولاشجردی فراهانی، ۱۳۹۱/۷/۱۷).

در گزارش‌های ساواک نیز شرح تظاهرات کارگران ماشین‌سازی به شرح ذیل بازتاب یافته است:

«ساعت ۸ روز ۱۳۵۷/۸/۳ کارکنان کارخانه ماشین‌سازی اراک ابتدا در داخل محوطه کارخانه اجتماع و با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعارهای: «ما خواستار آزادی زندانیان سیاسی

هستیم» و ما خواستار لغو حکومت نظامی می‌باشیم»، «ما خواستار تشکیل دادگاه جهت عاملین شهدای اخیر کشور می‌باشیم» و «ما خواستار حکومت اسلامی هستیم» و یک شعار عربی که از کارگاه آهنگری به سرپرستی میغانی آورده شده بود به مرکز آموزش رفته و سپس از آنجا به سوی شهر راهپیمایی را آغاز نمودند. در شهر حدود ده نفر از روحانیون به جمع آنان پیوستند.... در این زمان تورج زمانی اعلامیه‌ای که خواسته‌های کارکنان کارخانه بود را به رئوف داد و رئوف نیز سه بند از اعلامیه که جنبه سیاسی داشت را ...، قرائت و بیان داشت بقیه خواسته‌ها را که جنبه مادی دارد نمی‌خوانم چون می‌دانم هدف شما مادیات نمی‌باشد. پس از سخنرانی عبدالرضا رئوف کارکنان کارخانه پیاده به طرف کارخانه حرکت و روحانیون مذکور نیز به شهر مراجعت نمودند.

کارکنان کارخانه پس از ورود به کارخانه و صرف غذا همچنان به اعتصاب خود ادامه و شعارهای صنفی و سیاسی می‌دادند و منوچهر پورجهانی و مهدی نمکی و احمد یوسفی مرتباً با کارگران تماس گرفته و آنان را به ادامه اعتصاب تشویق می‌نمودند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۳۰۹/۲).



تصویر ۲. حضور کارگران ماشین‌سازی در تظاهرات علیه رژیم پهلوی

(منبع: خبرگزاری فارس)

ماشین‌سازی اراک نقش بسزایی در اراک و در جریان‌های انقلابی داشته است. از اواخر سال ۱۳۵۵ جمعی از افراد تحصیل کرده مانند مهندس حسینی، مهندس بهشتی، مهندس ترکی، جعفر صفری و شهید محمد کاظم سلیمی (اولین شهید ماشین‌سازی) جمع بیست الی سی نفری را تشکیل

داده بودند. یکی از افرادی که خط‌دهی را در ماشین‌سازی ایفا می‌کرد آقای اصغری بود که به‌عنوان یک فرد فعال شناخته می‌شد و به دلیل افکار و اعتقادی که داشت زندان هم رفته بود. وی کتاب‌های دکتر شریعتی را در دسترس انقلابیون ماشین‌سازی قرار می‌داد و به دلیل اینکه تشکیل جلسات در کارخانه غیرممکن بود، ارتقاء افکار انقلابی با برنامه‌ریزی جلسات مخفی در دشت و کوه و بیابان انجام می‌شد. از دیگر فعالین اعتراضات کارگری در اراک می‌توان به مهندس حسینی، معصومی، نظیری، مؤمنی، بهاری و عبدالرضا رئوف... اشاره کرد (رودی، ۱۳۹۱/۵/۱۵؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۳۷۱/۱، ۳۸۱/۲، ۵۰۳).

اولین اقدام مؤثری که توسط انقلابیون ماشین‌سازی انجام پذیرفت یارگیری از بین کارگران و تشکیل یک جمع انقلابی بود. به همین منظور هسته اولیه ضمن هماهنگی و شناسایی‌های که در کارخانه صورت می‌داد هفته‌ای دو روز در منازل یکدیگر جلساتی را برگزار می‌کردند. آنها هرکدام خود را موظف کرده بودند روی ده الی پانزده نفر جهت جذب اقدام نمایند، البته از طریق روشنگری و پخش اعلامیه، نوار سخنرانی، هیئت‌ها و مراسم‌های مذهبی کار کنند، از همین رو این حرکت روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شد. البته سختی و مشکلات این فعالیت‌ها بسیار زیاد بود. جو امنیتی حاکم بر جامعه موجب شده بود که حتی اعضای اصلی هسته اولیه در بسیاری از مواقع مسائل را به هم نمی‌گفتند. مسئولیت تهیه و توزیع و تکثیر نوار و اعلامیه به‌صورت تیمی بود و مواد اولیه آن توسط آقایان مهندس حسینی و جعفر صالحی از تهران تهیه می‌شد.

مشیری راد از افرادی که در زمان انقلاب در ماشین‌سازی کار می‌کرد چنین می‌گوید: «کارگران در جامعه صنعتی اراک نیز جدای از مردم نبودند. آنها در تشکلهای مذهبی، جلسات قرآنی و سخنرانی‌ها شرکت داشتند و در دسته‌های محدود ضد رژیم حرکت می‌کردند. در سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۴ ش در شرکت ماشین‌سازی اراک کار می‌کردم. اطلاع دارم که جمعی از کارگران و کارمندان ماشین‌سازی از فعالان مذهبی - سیاسی بودند، گرچه آنها تمایل داشتند که اعتصابات را صنفی و غیرسیاسی جلوه دهند. حتی در سال ۱۳۵۴ ش در اعتصابات کارگری ماشین‌سازی، در راهپیمایی که در کارخانه انجام می‌شد، درنهایت چند نفر دستگیر و جمعی اخراج شدند. این وقایع در رسانه‌های خارجی این‌گونه انعکاس یافت که اعتصابات با شعارهای صنفی انجام گرفته است» (مشیری راد، ۱۳۹۱/۵/۲۵).

اولین اعتراض علنی با اعلامیه و مطرح کردن خواسته‌های کارگران ماشین‌سازی در شهریور ۱۳۵۷ شروع شد.

دو هزار نفر از کارگران ماشین‌سازی اعتراض خود را با دست از کار کشیدن در پنج‌شنبه ۱۶ شهریور شروع کردند. کارکنان کارخانه ماشین‌سازی خواسته‌های خود را در اعلامیه‌ای به شرح زیر عنوان کردند:

- باوجود اینکه مدت شش ماه از انقضای بیمه کارکنان کارخانه می‌گذرد هنوز به تقاضای آنان ترتیب اثر داده نشده است.

- شش ماه است که برای تعیین دستمزد سالانه کارکنان کارخانه ماشین‌سازی اقدامی نشده است.

- نسبت به تغییر درجه کارکنان اقدامی نمی‌شود.

- هنوز در مورد بیمه عمر کارکنان اقدامی نشده است.

- خرید زمین برای ساخت مسکن برای کارکنان، فراموش شده است.

- معلوم نیست پولی که هر ماه به‌عنوان کمک به سندیکا، از دستمزد کارکنان کسر می‌شود چگونه مصرف می‌شود.

- لغو کسور جهت پس‌انداز حقوق کارکنان بر اساس ضابطه خاصی نیست.

- تعطیلی روزهای پنجشنبه در کارخانه عملی نمی‌شود.

- ساخت مسجد در کوی کارگران که مورد تقاضای آنان بوده فراموش شده است.

- وسایل رفاهی از قبیل درمانگاه، بیمارستان، سرویس رفت‌وآمد در شهر صنعتی فراهم نیست

- کارخانه ماشین‌سازی باوجود ضرری که سالانه می‌دهد نیازی به افراد جدید به‌صورت قراردادی ندارد.

- طرح طبقه‌بندی شاغل هنوز به‌صورت عادلانه اجرا نمی‌شود.

- دست افراد بی‌ایمان از کارهای مربوط به کارخانه باید کوتاه شود و رئیس انتظامات کارخانه باید از پست خود کنار رود.

- از تعداد مدیران کارخانه به‌ویژه مدیرانی که در دفتر مرکزی تهران هستند کاسته شود (اطلاعات، ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۰۵:۲۹).

به گزارش روزنامه اطلاعات در چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۷ ه. ش کارگران ماشین‌سازی به دلیل توجه‌نشدن به خواسته‌هایشان برای دومین بار دست از کار کشیدند و با اعتراض دوباره خود

خواستار رسیدگی به خواسته‌هایشان شدند. نهایتاً کارکنان با وساطت مدیرکل کار و امور اجتماعی استان به سرکارشان برگشتند (اطلاعات، ۱۳۵۷ ش ۱۵۷۱: ۲۳).

از دیگر حرکت‌هایی که به صورت علنی و در محوطه کارخانه انجام شده است برگزاری نماز عید فطر و سخنرانی با حضور کل کارکنان به امامت استاد آل اسحاق بوده است و به‌رغم اقدامات شاه‌دوستان کارخانه این مراسم به‌خوبی و شکوه خاصی و برای اولین بار برگزار گردیده است.

گل‌جو در مصاحبه خود در خصوص فعالیت‌های انقلابی کارگران ماشین‌سازی می‌گوید: «شاید تنها جمع انقلابی که خود را به سلاح کوکتل مولوتف و قداره و یک کلت کمربندی مسلح کرده بودند جمع انقلابیون ماشین‌سازی بوده‌اند. کارگاه‌های ساخت بمب‌دستی این گروه در بیابان‌های اطراف اراک (کوه سفیدخانی- کوه قرنر- مسیر چقلی- باغ‌های رباط بوده که چشمه‌ای داشت و ماشین‌خور هم بوده قرار داشته است) ضمن اینکه این مکان‌ها محوطه‌ای باز جهت تمرین و آموزش نیز بوده است. قبل از ۲۲ بهمن کارگران انقلابی ماشین‌سازی متوجه می‌شوند یک قطار نیروی گاردی برای سرکوبی انقلابیون نیروی هوایی قرار است به تهران برود. لذا یک وانت کوکتل مولوتف آماده‌سازی نموده و به منزل حاج آقا جعفر صوفیان واقع در خیابان طالقانی می‌برند و صبح روز بعد مواد منفجره را نزدیک پل ضامنجان برده و در تپه‌های اطراف مستقر می‌شوند و قصد منفجر نمودن قطار حامل گاردی‌ها را داشتند که قبل از اقدام خبر پیروزی نیروی هوایی مخابره شد و این قضیه منتفی می‌شود» (گل‌جو، ۱۳۹۱/۶/۱۵).

کارخانه آلومینیوم نیز از کارخانه‌هایی بود که در آستانه پیروزی انقلاب مخالفت خود را با حکومت پهلوی اعلام داشت. با توجه به اسناد منتشرشده فعالیت آنان را می‌توان در اعتراض و راهپیمایی و برگزاری تظاهرات مشاهده کرد.

ساعت ۱۰:۳۰ روز ۵۷/۹/۱۴ کلیه کارمندان کارخانه تولید آلومینیوم اراک (حدود دویست نفر) در کانتین کارخانه تجمع و پس از سخنرانی تابلوی شیشه‌ای شاهنشاه را پایین آورده و شکسته‌اند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۴۶۱/۱۸).

به گزارش اسناد ساواک از ساعت ۱۱ روز ۱۳۵۷/۱۰/۲۳، قریب ششصد نفر از قشربون مذهبی و کارگران کارخانجات آلومینیوم در شهر با برگزاری تظاهرات خیابانی از محل کار خود خارج و پس از ملحق شدن به جمعیت اجتماع‌کننده در مسجد آقاضیاء تعداد آن‌ها به پنج‌هزار نفر رسید.

اجتماع‌کنندگان پس از دادن شعارهای ضد حکومتی در برخی از خیابان‌های شهر به تظاهرات و راهپیمایی پرداخته و در مدرسه عالی علوم اجتماع و پس از استماع سخنرانی دو نفر از حاضرین به تدریج متفرق شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶: ۷۳/۲۴).

۴. بازاریان

منابع تاریخی به‌وضوح، نقش بازاریان متدین در برابر سیاست‌های ضد ملی و مذهبی دولت‌ها را در دوره‌ی معاصر درج کرده‌اند. از نظر بسیاری از مورخین علما و بازاریان علیه استبداد و استعمار خارجی به مبارزه پرداختند و ده‌ها زندانی نمونه‌ای از این همکاری می‌باشد. در انقلاب اسلامی نیز بازاریان نقش ویژه‌ای ایفا نمودند. در اراک بازاریان با تعطیلی مغازه‌ها به‌نوعی در اعلام نارضایتی علیه رژیم پهلوی همپای دیگر اقشار سهم داشته‌اند.

بازار اراک در بافت قدیمی و مرکزی شهر واقع گردیده و از رونق خوبی برخوردار بود و بنای اولیه بازار در اوایل دوره قاجار و در زمان فتحعلی شاه، توسط یوسف‌خان گرجی سپهدار بنیان نهاده شد. بازار به دلیل وجود مدرسه سپهداری و مساجد اطراف آن می‌توانست فعالیت‌هایی را در جهت انقلاب انجام دهند اما جز عده معدود، بقیه بازاریان به دلیل شرایط اقتصادی، روحیه محافظه‌کاری و پیروی از عقاید انجمن حجّتیّه در امور سیاسی، دخالتی نمی‌کردند. با وجود این برخی از بازاری‌ها با انجام کارهای خیرخواهانه، تعطیلی بازار و بستن مغازه‌ها و پخش اعلامیه و تظاهرات و دعوت از سخنرانان در مساجد به‌مانند سایر اقشار در پیروزی انقلاب سهیم بودند.

در خصوص تعطیلی بازار و بستن مغازه‌ها به‌عنوان نمونه در ۱۶ شهریور، یک روز قبل از واقعه ۱۷ شهریور روزنامه اطلاعات نوشت: «کسبه بازار امروز را عزای ملی اعلام کردند و مغازه‌های بازار را باز نکردند و در خیابان‌های شهر اراک نیز تعداد کمی از مغازه‌ها باز بود» (اطلاعات، ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۰۵: ۴). در گزارشی از ساواک نیز آمده است: «در ۱۲ آذرماه ۱۳۵۷ هـ بازاریان به نشانه اعتراض کلیه دکاتین و بازار را بستن» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۴۶/۱۸). در همین رابطه در سند دیگری از ساواک آمده است که در تظاهرات دولتی قطع‌نامه‌ای صادر شده که در آن آمده است «چنانچه بازار اراک در تاریخ ۵۷/۹/۲۳ [۱۳] شروع به کار نماید کلیه مغازه‌هایی را که بسته است به آتش خواهند کشید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷/۲۰).

در خصوص پخش اعلامیه نیز کاشانی از بازاری‌های آن زمان می‌گوید: ما در قم نزد فردی به نام محمدی می‌رفتیم و اعلامیه‌های امام را کپی می‌گرفتیم و در بازار پخش می‌کردیم. از بازاریان فعال در مبارزات انقلابی می‌توان به حاج رفیعی، مسچی و انزلچی و... اشاره نمود (گلجو، ۱۳۹۰/۱۲/۲۰).

علاوه بر این، در اسناد ساواک به اجتماع بازاریان در مراسم چهلم شهدای یزد اشاره شده است: «در مورخه ۲۵۳۷/۲/۱۹ عده‌ای از مردم شهرستان اراک از جمله کسبه بازار اراک در مسجد قبله اجتماع نموده و مراسمی به مناسبت چهلم کشته‌شدگان شهرستان یزد برپا نمودند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۵۸/۲).

همچنین در سندی از ساواک به ملاقات تعدادی از بازاریان اراک با امام خمینی در نجف اشاره شده است: «نامبردگان بالا ایام عید که به زیارت ائمه اطهار به کشور عراق مسافرت کرده بودند در نجف به منزل خمینی رفته و دست وی را بوسیده بودند و به طوری که اظهار می‌دارند از ایران عده زیادی جهت دیدن مشارالیه به منزل خمینی رفته ولی از اراک چهار نفر فوق‌الذکر بودند.

نظریه رهبر عملیات: با توجه به شماره پیروی فوق رفتن آنان به نجف جهت دیدن خمینی صحیح به نظر می‌رسد ضمناً مشخصات چهار نفر موردنظر نیز به شرح زیر می‌باشد.

۱. سید مرتضی روحانی‌نیا فرزند سید عابدین شماره شناسنامه ۲۴۸۰۹ متولد ۱۲۸۴ صادره قم شغل لولافروش در بازار.

۲. فرج‌اله حامدی فرزند کربلای علی شماره شناسنامه ۱۳۴۶۱ متولد ۱۲۸۷ اراک بازنشسته راه آهن و فعلاً در نزدیکی مسجد کربلای ابوالحسن مغازه الکتریک فروشی دارد.

۳. محمدحسن قدوسی فرزند حبیب‌اله شغل رنگ‌فروشی.
۴. محمدباقر اسلامی فرزند مرحوم احمد متولد ۱۳۰۳ خورشیدی شماره شناسنامه ۵۱۷ شغل قماش فروش «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۱۸۹/۱».

۵. زنان

کندوکاوی در کتاب‌های تاریخ معاصر نشان‌دهنده‌ی آن است که جنبش زنان در دو دهه اول حکومت محمدرضا شاه چندان تفاوتی با دوره‌های پیشین ندارد (فرمانفرمائی، ۱۳۷۳: ۴۳-۴۰). حضور گسترده و دائم زنان در راهپیمایی‌ها و تظاهرات انقلاب اسلامی طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی را لاقلاً در بخش بسیج سیاسی از خصلت صرفاً مردانه خارج و به آن

ویژگی همگانی بخشید. علاوه بر این، زنان از طریق ادبیات سیاسی و نقادی، حضور گسترده‌ای در صحنه‌ی روشنگری انقلاب داشتند. همچنین بخش مهمی از اعضای جنبش‌های چریکی و مسلحانه را زنان تشکیل می‌دادند. به‌رغم تبلیغات رسانه‌های رژیم پهلوی مشارکت توده‌ی زنان ایران در انقلاب اسلامی ایدئولوژی نظام حاکم در غربی‌سازی را که بیش از همه به‌واسطه زنان به اجرا درمی‌آمد، به چالش کشیده و نشان داد زنان ایران همچنان به عقاید خود پایبند هستند. مشارکت زنان بیش از همه از طریق شبکه‌های مساجد، انجمن‌های مذهبی و اسلامی، اماکن زیارتی و به‌خصوص از طریق جلسات خاص زنانه نظیر «روضه»، «سفره»، «هفته‌خوانی» و مکتب‌های زنانه نظیر «مکتب حضرت زینب (س) و مکتب نرجس» و... انجام می‌گرفت. این جلسات همانند یک سازمان در بسیج سیاسی زنان نقش داشت و زنان با شرکت در این جلسات که به‌ظاهر فقط مذهبی بود، از اوضاع اجتماعی - سیاسی و حوادث مهم انقلاب مطلع می‌شدند و یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه مدنی را تشکیل می‌دادند. در واقع می‌توان گفت: گرچه تنها سازمان رسمی زنان به دولت وابسته بود اما بخش عظیمی از زنان در قالب‌های دیگری خصوصاً نهادهای مذهبی تشکل یافته و در بسیج سیاسی برای انقلاب اسلامی شرکت نمودند (زورام، ۱۳۷۶: ۳۰۱).



تصویر ۳. حضور پرشکوه زنان شهر اراک در تظاهرات ضد رژیم پهلوی

زنان به علت داشتن پوشش چادر، بهتر از مردان در حمل شب‌نامه‌ها و اعلامیه‌ها فعالیت می‌کردند. در همین رابطه در گزارشی از ساواک آمده است: «ساعت ۱۲:۳۰ روز ۲۱/۱۰/۳۶ [۲۵] هنگامی که جمعیت حاضر در مسجد آقا ضیاء شهر اراک مسجد را ترک می‌کردند از قسمت زنانه مسجد مذکور حدود ۴۰ برگ اعلامیه مضره که در داخل کیسه پلاستیکی قرار داده شده بود به قسمت مردانه مسجد انداخته شده است. اعلامیه‌های مذکور به صورت دست‌نویس و در دو نوع مختلف و بدون امضاء بوده و در آنها مطالبی در مورد پشتیبانی از وقایع اخلاص‌گرایانه اخیر شهر قم، علیه آزادی زنان و جانب‌داری از روح‌الله خمینی و برخی از زندانیان سیاسی وابسته به گروه‌های برانداز مذهبی نوشته شده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۶: ۴۸/۲).

در سندی دیگر از ساواک آمده است: «در اراک ساعت ۱۳ روز ۴/۳/۳۷ [۲۵] تعداد معدودی اعلامیه مضره پلی‌کپی شده است تحت عنوان پیام به خواهران و برادران دانشجوی و حاوی متن مصاحبه خبرنگار روزنامه لوموند با روح‌الله خمینی در یکی از خیابان‌های شهر اراک پخش گردیده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۶۶/۶).

روزنامه اطلاعات نیز در خصوص پخش اعلامیه توسط بانوان می‌نویسد: «ساعت ۳ بعد از ظهر ۲۲ شهریور یک‌شنبه یک هزار نفر از مردم اراک دست به تظاهرات زدند و به دادن شعارهایی پرداختند این عده پس از برگزاری نماز جماعت و خروج از مسجد حاج تقی‌خان در خیابان محسنی اراک دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان درحالی که افراد پلیس مراقب آنها بود به راهپیمایی پرداختند و پس از طی بیست متر عده‌ای از آنان متفرق شدند. گروهی دیگر از تظاهرکنندگان به صورت آرام به طرف مسجد حاج آقا صابر واقع در خیابان شاهپور به راه افتادند و در مجلس سخنرانی که در این مسجد برپا شده بود شرکت کردند و در پایان سخنرانی شرکت‌کنندگان در محوطه مسجد شروع به دادن شعار کردند. در این زمان تعدادی نوجوانان بین مردان و تعدادی دختر بین زنان اعلامیه‌هایی پخش کردند. این عده پس از ساعتی متفرق شدند» (اطلاعات، ۱۳۵۷، ش ۳۳: ۱۵۷۰۳).

از خانم‌های فعال انقلابی در شهر اراک می‌توان به خانم‌های محمد گل‌جو، کاظم سمیعی، خانم معتمدی و دختر آیت‌الله امامی که در پخش اعلامیه و همراهی در راهپیمایی‌ها هم دوش با مردان

حرکت می‌کردند اشاره نمود (گل‌جو، جلسه دوم، ۱۳۹۰/۵/۲۵؛ معتمدی، جلسه اول، ۱۳۹۱/۴/۲۰).

۸. روستاها

گرایش‌های سیاسی در روستاها را می‌توان به سه نوع موضع‌گیری متمایز نسبت به شاه و حکومت طبقه‌بندی و بررسی نمود: ۱. موضع حمایت‌کننده ۲. ضد حکومتی ۳. غیرسیاسی. وقتی انقلاب نیرو گرفت دو موضع نخست از طریق فعالیت سیاسی آشکار در روستاها تجلی یافت و این امر سبب شد تا دو گروه متمایز موافقان و مخالفان شاه (در واقع طرفداران امام خمینی) تجلی پیدا کند و هر دو گروه در تلاش برای گردآوردن هوادارانی از میان روستاییانی که موضعی خاکستری داشتند، به تکاپو افتادند. گروهی که از شاه حمایت می‌کردند تقریباً در همه روستاها در اقلیت قرار داشتند اما این اقلیت بسیار مهم بود. روستاییانی که مخالف رژیم بودند نیز در اقلیت قرار داشتند. از آنجا که هر حرکت مخالفی به سرعت به وسیله ژاندارمری و سایر نیروهای امنیتی سرکوب می‌شد، آگاهی از سرنوشت افرادی که به علت اعتراض به حکومت بازداشت شده بودند مانعی قوی برای بیان مخالفت ایجاد می‌کرد؛ با وجود این در اکثر روستاهای بزرگ و بسیاری از روستاهای کوچک‌تر، اشخاصی بودند که شدیداً از حکومت بدشان می‌آمد و از رسیدن صدای خود به گوش کسانی که مظنون به خبرچینی بودند، نمی‌ترسیدند و حکومت را متهم به سرکوبگری می‌کردند (هوکلاند، ۱۳۸۱: ۲۴۶).

روستاییان اراک از جمله اقشاری بودند که مانند روحانیون در سال ۱۳۴۲ به حمایت از امام خمینی پرداختند و در نامه‌ای به آیت‌الله گلپایگانی خواستار تلاش ایشان برای آزادی امام خمینی شدند.

«بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله فی الارضین آقای سید محمدرضا گلپایگانی ادام الله ظلّه علی رؤس المسلمین.

با تقدیم احترامات معروض می‌داریم (۱۵۰۰۰) اهالی قریه میقان اراک که این خاکساران اولاً در پیروی از منویات مقدس حضرت‌عالی و جمیع مراجع تقلید عظام و پشتیبانی از هدف عالی اسلام و مراجع عظام تا سرحد نثار جان آماده و حاضریم و در مرحله اخیر منتظر دستور مراجع می‌باشیم و در ثانی از مقام مقدس حضرت‌عالی خواستاریم که جهت استخلاص حضرت

آیت‌الله‌العظمی زعیم عالی‌قدر شیعه آقای حاج آقا روح‌الله خمینی موسوی دامت برکاته کمال سعی خود را مبذول داشته و همت عالی را به کار برده و رهایی معظم‌له را از دستگاه حاکمه خواسته و مقدمات آن را فراهم بنمایید، مزید بر امتنان و موجب تشکر عموم مسلمین جهان است و از پروردگار توانا و ولی‌عصر و زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف موفقیت و تأیید آن وجود مبارک را خواستاریم.

فأله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین.

محمد قربان، محمدتقی، محمدعلی ملکی، انشاءالله محمد قاسم، جواد ریاحی، اسدالله میرزاخانی، الاحقر سیدعبدالعظیم الحسینی، سید فرج حسینی، محمدرضا ملکی، محمدعلی محمد...» (آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۴۹/۱).

از روستاهای نزدیک اراک که در فعالیت‌های انقلابی حضوری پررنگ داشتند می‌توان به روستای مرزیجران و سنجان اشاره نمود. لازم به ذکر است هر دو روستا در اوایل از چماق‌بدستان رژیم بودند و با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب چماق‌های خود را علیه شاه استفاده کردند.

در مرزیجران با اوج‌گیری مبارزات ملت مسلمان ایران، مردم و جوانان پرشور و آگاه این روستا هم به صف مبارزان پیوستند و برای پیشبرد انقلاب اسلامی از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. آنان مرتب اعلامیه‌های حضرت امام خمینی و کتب مذهبی را بین جوانان پخش می‌کردند. همچنین در تمام تظاهرات و مجالس مذهبی که بدین منظور در شهرستان اراک برگزار می‌شد فعالانه شرکت می‌کردند. در ایام ماه مبارک رمضان و ماه محرم سال ۱۳۵۷ برای آگاهی‌بخشی به مردم روستا از روحانی جوان و مبارزی به نام «حمیدی» دعوت شد. از آنجا که رژیم طاغوت از بالا رفتن سطح آگاهی مردم هراسان بود برای جلوگیری از برگزاری این مجالس در یک شب بارانی مأمورین را با تانک برای دستگیری عده‌ای از جمله شهید رحیم آنجفی، اعزام کرد که خوشبختانه با هوشیاری مردم عملیات آنها ناموفق برمی‌گردند (ره‌یافتگان وصال، ۱۳۸۵: ۱۱).

در سنجان نیز با توجه به سابقه فرهنگی و اعتقاد به ارزش‌های اسلامی و تبعیت از روحانیون جزء روستاهایی بود که سریعاً به ندای امام خمینی لبیک گفت. روحانیت مبارز و قشر تحصیل‌کرده دانشگاهی بیشترین نقش را در آغاز مبارزه در سنجان به عهده داشته‌اند. به کمک این دو قشر فرهنگی و پیشرو، فعالیت‌های مبارزاتی در ابعاد مختلف فرهنگی، مذهبی، سیاسی و نظامی

برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی می‌گردید. تهیه خطابه‌های پرشور و انقلابی و مقارن شدن نهضت با ماه خون و قیام و ایام سوگواری سالار شهیدان، شور و حال دیگری در مردم ایجاد می‌کرد و همه مردم هم‌نوا باهم و در قالب یک جمع واحد بعد از پایان سخنرانی و عزاداری به راهپیمایی و تظاهرات در سطح سنجان می‌پرداختند. یکی از مبارزان دوران نهضت اسلامی نقل می‌کند با توجه به حضور گسترده و همه‌جانبه مردم تصمیم گرفته شد که یک راهپیمایی به سمت اراک تدارک دیده شود. راهپیمایی از سنجان آغاز و با عبور از کهرود در حوالی خیابان طالقانی با پیوستن تظاهرکنندگان اراکی ادامه یافت. برای اولین بار طلسم شعار مرگ بر شاه در اراک شکسته شد. بعد از برگزاری مراسم راهپیمایی در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ در روز یازدهم محرم، رژیم دست به یک عملیات نمایشی می‌زند و با اجیر کردن عده‌ای از افراد بی‌اطلاع و اغفال‌شده در سطح شهرها و برخی از روستاهای به‌مانور می‌پردازند تا بلکه اعتبار ازدست‌رفته‌ی خود را بازیابد. در همان روز نزدیک ظهر عده‌ای از چماق بدستان درحالی‌که در پشت کامیون، وانت، تریلر سوار شده بودند و با در دست داشتن انواع و اقسام آلات کشاورزی و قمه شعار می‌دادند و از سوی نیروهای ژاندارمری حمایت می‌شدند به‌سوی سنجان یورش می‌آورند و با به آتش کشیدن منازل، مغازه‌ها و وسایل نقلیه در سطح سنجان به حرکت درمی‌آیند. ژاندارم‌ها نیز از تپه‌ی مشرف به سنجان با تیراندازی به‌سوی مردم به حمایت آن‌ها می‌پردازند (نقش شهر سنجان در پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶: ۱۴).

طبق اسناد ساواک در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۷ حدود ۱۵۰۰ نفر از قشریون مذهبی روستاهای نمک‌کور، سنجان، مشک‌آباد و داوودآباد، اهالی روستای مرزیجران را که قبلاً ضد تظاهرات ملی - میهنی شرکت کرده بودند مورد حمله و هجوم قرار دادند و در این درگیری هفت نفر از مخالفین زخمی شده و به بیمارستان منتقل شدند. از ساعت ۱۰ صبح هم تظاهراتی با شرکت حدود چهارهزار نفر در شهر شکل گرفت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶: ۲۳/۲۴۳).

روزنامه کیهان نیز طی گزارشی به راهپیمایی بزرگ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۷ ه. ش اراک که به مدت ۷ ساعت به طول انجامید می‌پردازد و بیان می‌دارد که حدود ۱۵۰ هزار تن از زن و مرد از طبقات مختلف اراک و اهالی سه روستا در این تظاهرات شرکت داشته‌اند (کیهان، ۳۰/۱۰/۱۳۵۷: ۷).

در روستاهای دیگر و دورافتاده اراک جو آرام بود، البته اگر جوانان از روستاها راهی مراکز تحصیلی و دانشگاهی می‌شدند، پیام‌رسان روشنفکران به دوستانشان در روستا می‌شدند (مشیری‌راد، ۱۳۹۱/۵/۲۵).

۶. اقلیت مذهبی (ارامنه)

در سال ۱۹۰۵ میلادی هشت خانوار ارمنی در اراک ساکن بودند. رونق صنعت فرش‌بافی در اراک باعث شد که تجار ارمنی روانه این شهر شده و مراکز فرش‌بافی در این شهر دایر نمایند که از جمله تجار بزرگ ارمنی سکونت‌یافته در اراک می‌توان از «گاراگوزیان»، «یو لبنگیان»، «تافشانچیان»، «تلفیان» و... نام برد. به همین دلیل از چهار منطقه اطراف اراک و همچنین از جلفای اصفهان ارامنه جهت کار در مراکز فرش‌بافی راهی اراک شدند که باعث ازدیاد جماعت ارامنه گردید.

این اقلیت مذهبی نیز همچون دیگر اقشار مردم اراک در تظاهرات و راهپیمایی‌های ضد رژیم شرکت داشتند. در مصاحبه‌ای با شورای این اقلیت، عواملی را به شرح ذیل در خصوص انگیزه خود از حضور در مبارزات انقلابی مطرح ساختند:

۱- شرایط سیاسی حاکم بر جامعه و وجود استبداد و نجات کشور از حکومت استبدادی.

۲- ما قبل از اینکه تفاوت مذهبی داشته باشیم، ایرانی هستیم لذا به دنبال دفاع از هویت ایرانی خود برآمدیم.

۳- عدم امنیت و بی‌اهمیتی به اقلیت‌های دینی عواملی بودند که ما را نیز همانند سایر مردم به خیابان‌ها و کوچه‌ها کشاند (مصاحبه با شورای ارامنه، ۱۳۹۱/۶/۲۰).

۷. هنرمندان

هنرمندان با به نمایش گذاشتن هنر خویش در عرصه مبارزات انقلابی گام برمی‌داشتند. نادری از کسانی که با هنر خود به نوعی در جهت انقلاب و مبارزه با رژیم فعالیت می‌کردند نام می‌برد، و چنین می‌گوید: «مسعود مرادی مسئول شعر و نمایشنامه‌نویسی در مدرسه مجیدیه بود. یکی از نمایش‌های جالب نمایش بچه‌های بعث بود که ولی‌الله احمدی در قالب هیئت اجرا می‌کرد و اجرای نمایشنامه ابوذر را نیز به عهده داشت» (نادری، جلسه اول، ۱۳۹۰/۷/۱۷).

منصوری از افراد فعال در انقلاب می‌گوید: «فعالیت در اراک پنج شش سال قبل از انقلاب شروع شده بود، بسته‌وگریخته فعالیت را دبیرستان‌ها داشتند ولی مردم آمادگی نداشتند. برای

آماده کردن مردم این امر را با اجرای نمایشنامه انجام دادیم. در قم به واسطه آیت‌الله شریعتمداری، دکتر قاسمی و دکتر حداد عادل در جلسه‌ای تصمیم به اجرای نمایشنامه‌ای با عنوان «اشک یتیم» گرفتند و ما با دوستانمان که در قم بودیم پیشنهاد کردیم این نمایشنامه را در اراک اجرا کنیم. شرایط اصلاً مساعد نبود ولی با اصرار بچه‌ها نمایشنامه را به اراک آوردیم. تمامی مراکز سینما و دیگر ارگان‌های دولتی در اختیار ساواک بود و آقای جعفری فرش‌فروش قبول کرد در منزل ایشان این نمایشنامه اجرا شود. وی فرد مذهبی و متدینی بود و زیرزمین منزلشان را برای این امر در اختیار ما قرار داد و ما نمایش را سه شب اجرا کردیم. البته مجری نمایشنامه آقای وفایی بود. در شب اول استقبال زیادی از نمایش شد و در شب دوم به این فکر افتادیم که ساواک هم نظاره‌گر این نمایشنامه باشد و به چند دلیل از ساواک هم دعوت کردیم: ۱- صحنه‌ای به این قضیه داشته باشیم. ۲- ساواک هم در جریان باشد. ۳- در صورت بروز مشکل ساواک خود در جریان قضیه باشد. و اتفاقاً آنها هم متأثر شدند و من به‌عینه دیدم رئیس ساواک با دیدن این نمایش به گریه افتاده است. دو روز پس از اجرای نمایشنامه پدر و مادرم را خواستند. پدرم تا ۲۴ ساعت در زندان بود و وی را تهدید به کشیدن ناخن کرده بودند و همچنین بازجویی مفصلی شده بود و بعد خود من نیز در زندان شکنجه شدم» (منصوری، جلسه اول، ۱۳۹۱/۶/۱۷).

در اسناد به‌دست‌آمده از ساواک می‌توان به نمونه‌های دیگری از اجرای نمایش‌نامه‌های سیاسی در اراک پی برد. برای مثال در یکی از گزارش‌ها چنین آمده است: «ساعت ۱۵:۳۰ روز ۱۳۵۶/۲/۹ حدود ۱۵۰ نفر از طبقات مختلف مردم بنا به دعوت کتبی گروه تبلیغات سمعی و بصری مسجد حاج محمدابراهیم به‌منظور تماشای «پرتوی از انسانیت» که توسط گروه مذکور در دو قسمت در منزل شخصی به نام حسین جعفری واقع در خیابان ملک‌المتکلمین بین کوچه اشکانی و آخرین کوچه اجرا شد شرکت نموده بودند. قسمت اول موضوع نمایشنامه سرگذشت خانواده پنج‌نفری (پدر و چهار نفر فرزند که دو نفرشان محصل، یکی افلیج و دیگری بیمار بود) فقیر بود، پدر خانواده که شغلش آب‌حوض‌کشی بود دائم فریاد برمی‌آورد که چه کنم تا کودک بیمارم نمیرد و به شعرهایی نیز توسل می‌جست از جمله به نقل قول از ابوذر غفاری می‌گفت: در تعجبم از مردمی که از گرسنگی می‌میرند ولی شمشیر نمی‌کشند. یا اینکه چرا من نمی‌توانم نسخه فرزندم را بیچم ولی دیگران در ساختمان‌های مدرن و چندطبقه یا کاخ زندگی کنند؛ تا کی این سرمایه‌داری باید حاکم باشد. چرا نباید بقال

سرکوچه، شاطر، عطار، کارگر و افراد مثل من بیمه نباشیم. نامبرده دستمزد یک روز کارگری را مبلغ صد ریال عنوان نمود و اظهار داشت که از این مبلغ پنجاه ریال را انعام گرفته است و اضافه کرد این است وضع من کارگر و اکثر کارگرها، من با این صد ریال چه کنم؟ غذا بخرم، لباس بخرم، کفش بخرم یا نسخه فرزند عزیزم که امانت خدا می‌باشد را بیچم.

در قسمت دوم نمایشنامه زندگی شخصی و شغلی دکتری را نمایش می‌دهد و نحوه‌ی مراجعه‌ی مریض‌ها و حضور دکتر را در مطب و نیز توجه وی را به مادیات را به گونه‌ای نشان داد که موجبات حقد نسبت به این طبقه را فراهم نمود» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۳۱۹/۱). این نمایشنامه وضعیت مادی جامعه آن روز را به تصویر می‌کشیده و به حکومت و اسراف و فاصله‌های طبقاتی موجود در جامعه آن روز اشاره می‌کرد.

نتیجه‌گیری

سیاست‌های فرهنگی ضددین، حاکمیت استبدادی رژیم، سرسپردگی حکومت به امپریالیسم جهانی، گسترش تعاملات جهانی و در نتیجه رشد آگاهی‌های عمومی و ده‌ها عامل دیگر موجب گردید تا طیف گسترده‌ای از اقشار مختلف مردم اعم از فرهنگیان، دانشجویان، روحانیون، بازاریان، کارگران، کارمندان، هنرمندان، اقلیت مذهبی، روستاییان و بانوان مجموعه‌ای از اقدامات را برای ساقط کردن حکومت پهلوی با حرکات انقلابی انجام دهند. به همین منظور هریک از اقشار بسته به ظرفیت‌ها و استعدادهای خود در این عرصه تلاش نمودند. شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، تشکیل انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی، اعتصاب، برپایی نمایشگاه و نمایش تئاتر با مضامین سیاسی و اجتماعی، پخش اعلامیه‌های امام و غیره از جمله فعالیت‌هایی بود که توسط اقشار مختلف مردم و برای ساقط کردن رژیم پهلوی صورت گرفت. البته آنان هزینه‌های سنگینی را برای تحقق آرمان‌ها خود متحمل شدند که می‌توان از جمله آنها به از دست دادن جان، ضرب و شتم، دستگیری و زندانی شدن اشاره کرد.

کتابنامه

الف) اسناد

آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۵.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۶.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۶، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۸، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۰.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۸، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۳ و ۲۴، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (روزشمار استان مرکزی)، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۲.

ب) کتاب

رشیدی، احمد؛ میرزایی، علی؛ شفیعی، سمیرا، انقلاب اسلامی در استان مرکزی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.

روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، ج ۱، تهران: عروج، ۱۳۸۱.

ستاد بزرگداشت یادواره شهدای شهر سنجان (بکوشش)، نقش شهر سنجان (سنجان و فیجان) در پیروزی انقلاب اسلامی، اراک: بنیاد شهید انقلاب اسلامی استان مرکزی، ۱۳۷۶.

ستاد یادواره شهدای روستای مرزیجران (به کوشش)، ره یافتگان وصال، اراک: کتیبه، ۱۳۸۵.

فرمانفرمائی، مریم، خاطرات مریم فیروز «فرمانفرمائی»، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳.

مهاجرانی، زهرا، جغرافیایی وقایع انقلاب و دفاع مقدس در شهرستان اراک، اراک: بنیاد حفظ آثار و نشر دفاع مقدس، ۱۳۷۸.

هوکلاند، اریک، زمین و انقلاب در ایران (۱۳۴۰-۱۳۶۰)، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: پژوهش شیراز، ۱۳۸۱.

ج) روزنامه‌ها

اطلاعات، ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۰۵، ۱۵۷۲۷، ۱۵۷۰۳، ۱۵۷۱۲، ۱۵۷۳۱، ۱۵۷۲۹.

کیهان، شماره ۱۰۶۱۷، شنبه ۳۰ دی ۱۳۵۷.

(د) مصاحبه‌ها

رودی، محمد، جلسه اول، ۱۳۹۱/۵/۱۵.

شورای آرامنه، جلسه اول، ۱۳۹۱/۶/۲۰.

گلجو، محمد، جلسه اول، ۱۳۹۰/۱۲/۲۰، جلسه دوم، ۱۳۹۰/۵/۲۵، جلسه سوم، ۱۳۹۱/۶/۱۵.

محمد حسینی، جلسه اول، ۱۳۹۱/۹/۲۵.

مشیری راد، حبیب‌الله، جلسه اول، ۱۳۹۱/۵/۲۵.

معمدی، علی، جلسه اول، ۱۳۹۱/۴/۲۰.

منصوری، ابوالفضل، جلسه اول، ۱۳۹۱/۶/۱۷.

نادری، اسماعیل، جلسه اول، ۱۳۹۰/۷/۱۷.

ولاشجردی فراهانی، غلامعلی، جلسه دوم، ۱۳۹۱/۷/۱۷.

یحیایی، جعفر، جلسه دوم، ۹۰/۹/۲۰.



درجه فوریت
طبقه بندی حفاظتی

نسخه شماره یک از گزارش ۹۷/۲۳۴۲۳۹۷ - منبع ششمین بارش اراک
۱- به ۳۰۱۰۴ ۸- منشا مشاهدات
۲- از ۴۰۳ ۹- تاریخ وقوع ۱۰ خرداد ۱۳۹۷
۳- شماره گزارش ۹۷/۲۳۴۲۳۹۷ - تاریخ رسیدن خبر به منبع ۵۷/۹/۲۰
۴- تاریخ گزارش ۹۷/۲۳۴۲۳۹۷ - تاریخ رسیدن خبر بر مبر عملیات
۵- پیوست محل ۵۷/۹/۲۰
۶- گیرندگان خبر ۱۲- ملاحظات حفاظتی

موضوع شرکت در تظاهرات
محل
شهر

افراد مشروحه ذیل نگاه اضعفین این شهر می باشند در -
تظاهرات روزهای ۵۷/۹/۱۹ و ۵۷/۹/۲۰ (تاسو
وعاشورا) شرکت داشتند و مردم را تحریک به دادن
شعارهای مضره و مرگ به ۶۶ مینمودند .
۱- شیخ مهدی عظیمی ۲- یعقوبی واعظ ۳- شیخ حسین
عظیمی ۴- میری واعظ .
نظریه شبهه : نظری ندارد .
نظریه چهارشنبه : مفاد خبر صحت دارد و مراتب در -
سابقه هریک ضبط خواهد گردید .

طبقه بندی حفاظتی

۵۲-۲۵۹

درجه فوریت	طبقه بندی حفاظتی
صفحه یکم از صفحه	گزارش خبر
نسخه شماره	لاست انجمن
۱- به ۳۴۳	۹- تاریخ وقوع
۲- از ۳۴۳	۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع
۳- شماره گزارش ۵۷/۱۳۳۳	۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر مبن عملیات
۴- تاریخ گزارش ۳۶/۱۰/۱۱	محل ۳۴۳/۳۴/۱۱
۵- پیوست	۱۲- ملاحظات حفاظتی
۶- کیرندگان خبر ۳۴۳ پیوست	۵۲۲/۱۳۱۳
	۳۶/۱۰/۴

موضوع: عطف
 ۳۶/۱۰/۱۱ - ۳۴۳/۳۴۳

در تاریخ ۳۶/۱۰/۱۱ مهلت سر محمد حسینی در حضور چند تن از تارکبان تاریخخانه ماشین سازی اراک اظهار داشت «خبر» دانشجویمان امنیت و تکنولوژی اراک اقدام به تظاهراتی نمود که در نتیجه علی رمزی دستگیر گردید است. نامبرده اضافه نمود پس از دستگیری علی رمزی مشا رالیه راه سازمان امنیت برده و برای شکست هر روی بیخ خوابانید ه اند که در نتیجه مشا رالیه (علی رمزی) ساخته کرده است. نظریه مذکوره نظری ندارد.

تشریحی
 تشریحی کهست به: با توجه بموقعیت شرح اظهارات طالب فوق از جانب سر محمد حسینی مورد تأیید میباشد. ضمناً علی رمزی دانشجوی امنیت و تکنولوژی اراک و کارمند تاریخخانه ماشین سازی اراک میباشد که موضوع دستگیری وی طی تلفنگرام شماره ۵۲۲/۱۳۴۹ - ۳۶/۱۰/۶ صادره به بخش ۳۲۴ به عرض رسیده است. نظریه مذکوره بقصد سر محمد حسینی ایجاد بدبینی بوده است والا علی رمزی توسط پلیس دستگیر و گواهی را اعتراف و سلامت ابراز همکاری و صمیمیت در تحقیقات معموله

آزاد گردیده است.

نظریه ۲۲ - نظر سر محمد حسینی

۵۲-۱۳۱

مركز بررسی اسناد تاریخی
 historydocuments.ir

طبقه بندی حفاظتی

مجله مسترمانه
مجله بندهی حفاظتی

درجه قفسه

- صفحه یکم از صفحه
- نسخه شماره از نسخه
- ۱ - به ۳۰۴۰۲
- ۲ - از ۵۲۰۲
- ۳ - شماره گزارش ۵۲۰۲۲۰۵۵
- ۴ - تاریخ گزارش ۵۲۰۲۲۰۵۵
- ۵ - پیوست
- ۶ - گیرندگان خبر ۳۰۱۰۲
- ۷ - منبع شهرستانی اراک
- ۸ - منشأ
- ۹ - تاریخ وقوع ۵۰۷/۸/۲۰۲
- ۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع
- ۱۱ - تاریخ رسیدن خبر برهبر عملیات محل ۵۰۷/۹/۲۰۲
- ۱۲ - ملاحظات حفاظتی

موضوع فعالیت مضره عطف
بپرد

بشت نفرًا میردگان مشروحه زیرکه از کارکنان اداره دارائی اراک میباشند
در امر تخریب مردم بر علیه دولت وپخش اعلامیه مضره فعالیت دارند
۱- امین محلاتی ۲- علی میری ۳- اسماعیل مرادی ۴- عابدی مسیحانی
۶- وفائی ۷- میر اشرفی ۸- عظیمی
نظریه شده به قابل تحقیق

نظریه یکنسب به : خبر احتیاج به تحقیق بیشتری دارد .
نظریه سه شنبه : قبلاً "گزارشی از وضع این افراد دریافت نگردیده معمدا
در این باره تحقیق وپس از روشن شدن موضوع نتیجه اعلام خواهد شد

در سامه (۷) روز (۱۳۵۷) ...
به بخش ...
عنا ...
۹۰۵۴۱
۵۲۰۲۲

مجله مسترمانه
مجله بندهی حفاظتی

۵۲-۱۳۱

